



آمیب‌شناسی تفسیر مأثور و تبیین مشکلات فراروی مسلک تفسیر روایی محض

رجوع به روایات در تفسیر قرآن در عین حال که شیوه‌ای بسیار متین و پسندیده است، اما اکتفا به این روش مشکلات متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به وجود روایات جعلی و مسند نبودن بسیاری از روایات تفسیری اشاره کرد.

رجوع به روایات در تفسیر قرآن در عین حال که شیوه‌ای بسیار متین و پسندیده است، اما اکتفا به این روش مشکلات متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به وجود روایات جعلی و مسند نبودن بسیاری از روایات تفسیری اشاره کرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد اکبری، رئیس دانشکده علوم قرآنی ملایر، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره ارزش و جایگاه تفسیر روایی یا مأثور، بیان شواهدی (از قرآن و روایات) دال بر تأیید این شیوه تفسیری و ذکر پاره‌ای از آفات اکتفای به این شیوه تفسیری و نقد و بررسی مسلک طرفداران تفسیر روایی محض پرداخت.

وی با نقد و بررسی مسلک طرفداران تفسیر روایی محض که معتقدند قرآن را فقط باید با روایت و اخبار تفسیر کنیم و لاغیر، بیان کرد: باید به اینها گفت که در عین این‌که رجوع به چنین شیوه‌ای در تفسیر قرآن بسیار متین و پسندیده است، اما اکتفا بدان آفت‌هایی نیز دارد که یکی از آنها عبارت از وجود روایات ساختگی و جعلی است که از مهم‌ترین مشکلات این روش است.

وجود روایات ساختگی و جعلی

این محقق و پژوهشگر با تشریح این مطلب عنوان کرد: گفته‌اند که شخصی به نام ابوهریره که تنها یک سال و نه ماه پیامبر(ص) را در مدینه درک کرده بود، بیش از تمام صحابه از ایشان روایت نقل کرده و پیداست که بسیاری از روایات او از نوع تدلیس، کذب و ساختگی بوده باشد و خود اهل سنت هم به این مطلب اذعان کرده‌اند که بسیاری از روایات موجود، ساختگی و جعلی است.

وی تشریح کرد: با آن‌که این روایات جعلی و اسرائیلیات اغلب در حوزه اهل سنت مطرح است، اما متأسفانه در روایات ما نیز وارد شده است. برای نمونه گفته شده که شخصی در محضر حضرت امام باقر(ع) روایتی از کعب‌الاحبار نقل کرد که «کعبه در هر صبح بر بیت‌المقدس سجده می‌کند!«. این روایت را یک شاگرد امام(ع) در محضر او نقل می‌کند و از این دست روایات متأسفانه در روایات ما و از جمله روایات تفسیری وارد شده است.

یکی از آفات اکتفای به روایات تفسیری در تفسیر قرآن، وجود روایاتی است که خود این روایات نیازمند به تفسیر هستند؛ برای نمونه روایتی نزول قرآن را بر «بیت‌المعمور« می‌داند و این مفهوم خود نیازمند تفسیر است.

رئیس دانشکده علوم قرآنی ملایر تصریح کرد: این‌گونه روایات باید پاکسازی و تصفیه شود و در این راستا روایات اصیل، صحیح‌السند و صحیح‌الدلالة باید حجت ما برای فهم مراد و مقصود خدای متعال در تفسیر آیات قرآن قرار گیرد.

مسند نبودن بسیاری از روایات تفسیری

این محقق و پژوهشگر مسند نبودن بسیاری از روایات تفسیری را آفت دیگر اکتفا به تفسیر روایی خواند و بیان کرد: بسیاری از روایات تفسیری شیعه و اهل سنت غیر مسند است و سندی ندارد. برای نمونه بخاری از اهل سنت ادعا می‌کند که صد هزار حدیث صحیح و دویست هزار حدیث غیر صحیح را حفظ کرده است!

وی ادامه داد: در برخی از تفاسیر شیعی مانند تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی، نیز شاهد چنین روایاتی هستیم که در آنها مفسر بدون ذکر سلسله سند و روات حدیث، آن روایت را به طور مستقیم به کلام امام معصوم(ع) مستند کرده است و در واقع ما نمی‌توانیم این روایات را تفسیر قرآن قرار بدهیم.

وجود تناقض در روایات تفسیری

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که مشکل سوم در اکتفا به روایات تفسیری در تفسیر قرآن، وجود تناقض در روایات تفسیری به ویژه در شأن نزول این روایات است، گفت: برای مثال در شأن نزول آیه شریفه «عَبَسَ وَ تَوَلَّى« روایتی وارد شده که شخصی ترش‌رویی که را چهره خود را در هم کشیده، پیامبر(ص) دانسته است. در روایتی دیگر گفته شده که آن شخص نه

پیامبر(ص)، بلکه فردی از بنی‌امیه بوده است؛ حال این تعارض و تناقض بین این روایات را چگونه باید حل کرد؟!

نفوذ اندیشه‌های یهودی و مسیحی در متون تفسیری

وی نفوذ اندیشه‌های یهودی و مسیحی در متون تفسیری را آفت دیگر روایات تفسیری دانست و اظهار کرد: بیشترین روایات و اخبار یهود را شخصی به نام کعب‌الاحبار یهودی وارد حوزه دین اسلام کرده است. وی اهل یمن و استاد ابوهریره بوده و با ساختن روایات اندیشه‌های غیر اسلامی خود را وارد حوزه اسلام کرده و افرادی مانند ابوهریره را تربیت کرده که او نیز با مبانی و تعلیم اسلامی سازگاری ندارد.

تفسیر نشدن تمام آیات قرآن

حجت‌الاسلام اکبری آفت پنجم اکتفا به روایات تفسیری در تفسیر قرآن را تفسیر نشدن تمام آیات قرآن دانست و عنوان کرد: اخباریون که ادعا می‌کنند ما با روایات بی‌نیاز از تفسیر عقلی و مبانی دیگر تفسیری قرآن هستیم. باید به آنها پاسخ داد که ما در ذیل تمام آیات قرآن روایت نداریم و حتی شخصی چون سیوطی می‌گوید که ما تنها 250 روایت از پیامبر(ص) در تفسیر آیات قرآن داریم. بنابراین باید ببینیم که قرآنی که خدای متعال آن را «هدی للناس» و مایه هدایت مردم دانسته است، آیا برای مردم قابل فهم هست یا نیست؟

وی اضافه کرد: پیدا است که آیات شریفه قرآن فی حد ذاته برای مردم قابل فهم و درک است، اما با اسلوب و قواعد و آداب و آیین خاص خود باید تفسیر شود. اگر روایتی در ذیل آیه بود، تفسیر قرآن به آن روایت بسیار مطلوب و پسندیده است، اما اگر چنانچه روایتی در ذیل آیات نبود، باید با قواعد تفسیری این آیات شریفه قرآن را تفسیر کنیم و از معارف، انوار، احکام و رهنمودهای قرآن استفاده کنیم.

وجود روایاتی که خود نیازمند به تفسیرند

وی با توضیح آفت دیگر اکتفای به روایات تفسیری در تفسیر قرآن عنوان کرد: آفت دیگر وجود روایاتی است که خود این روایات نیازمند به تفسیر است. برای نمونه روایتی نزول قرآن را بر «بیت‌المعمور» می‌داند؛ این مفهوم یعنی نزول قرآن بر «بیت‌المعمور» خود نیازمند تفسیر است. همچنین برخی از روایاتی که درباره صفات خدای متعال است، آنقدر محکم، روشن و واضح نیستند که آحاد مردم مقصود و مراد معصوم(ع) را بفهمند و بسیاری از خود این روایات احتیاج به تفسیر دارند.

روایات نورانی معصومین(ع) خود به عنوان کلام معصوم، دارای بطون بوده و قابل تفسیر و تبیین هستند. نکته دیگر این‌که در این راستا باید تلاش شود که روایات صحیح از غیر صحیح شناخته و تمییز داده شود و خود تفسیر روایی نیز باید به چند بخش تقسیم شود...

آمیختگی روایات ضعیف و قوی در متون تفسیری

این محقق و پژوهشگر مشکل دیگر را جدا نشدن روایات ضعیف از متون تفسیری خواند و گفت: متأسفانه در تفاسیر ما هم روایت صحیح و هم روایت غیر صحیح و هم روایت قوی و هم روایت ضعیف داریم؛ بنابراین تنها تفسیر روایی نمی‌تواند جوابگوی بهره‌گیری و هدایت‌پذیری ما از قرآن و معارف آن باشد.

وی در پایان سخنان خود با تأکید بر ضرورت اهتمام بیش از پیش به روایات نورانی معصومین(ع) اظهار کرد: خود این روایات نیز به عنوان کلام معصوم، دارای بطون و قابل تفسیر و تبیین هستند. نکته دیگر این‌که در این راستا باید تلاش شود که روایات صحیح از غیر صحیح شناخته و تمییز داده شود و خود تفسیر روایی نیز باید به چند بخش تقسیم شود.

حجت‌الاسلام اکبری با تشریح این مطلب افزود: برای نمونه بخشی از این تفسیر به شرح اصطلاحات قرآن اختصاص یابد، بخشی به شرح مفردات، بخشی تبیین مقیداتی باشد که در شرح مفردات آمده و بخش دیگر نیز به مخصص‌هایی بپردازد که برای عام‌های قرآنی آمده است. اینها اگر به طور مرتب، منظم و دسته‌بندی شده، منقح و مدون شود و در اختیار مفسر قرار بگیرد، گامی بزرگ برای بهره‌گیری عمیق‌تر و بیشتر از حقایق و لطایف و معارف ناب قرآن کریم خواهد بود.